فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی
سال پانزدهم، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۵۳
صفحات ۱۲۶ ـ ۱۰۳

ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
A Quarterly Scientific _ Research Journal
Vol. 15, Summer 2018, No 53

باغبانی فرهنگ؛
مدیریت فرهنگ در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظلّه‌العالی)

فرزاد جهان‌بین*

چکیده

فرهنگ مقوله‌ای است که توجه بسیاری از نظریه‌پردازان در طول تاریخ را بـه خـود معطوف نموده است. ازجمله مسائل کلیدی در این خصوص، مسئله ضـرورت و نیـز امکان یا امتنـاع کنتـرل و مـدیریت فرهنـگ و حـدود مداخلـه دولـت در فرهنـگ می‌باشد. دیدگاه فراگیر و تمامیت‌خواه بر یکسان‌سازی فرهنگ و دیدگاه لیبرال، بـا نفی امکان مدیریت فرهنگ، قائل به نظم خودانگیخته می‌باشد. مقاله حاضر بـر آن است تا مدیریت فرهنگ در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را تبیین نماید.

برای پاسخ به این سؤالات، پس از تبیین مفاهیم کلیدی، مبـانی هسـتی‌شـناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی مطرح و مبتنـی بـر آنهـا، اصـول، استخراج می‌گردد. براساس مبانی و اصـول، باغبـانی فرهنـگ کـه الگـوی آیـت‌الله خامنه‌ای در مدیریت فرهنگ است، توضیح داده می‌شـود. راهبـرد پـژوهش از نـوع کیفی و روش مورد استفاده، استنتاج فرارونده است.

کلمات کلیدی

مدیریت، فرهنگ، مطلوب، اختیار، باغبانی.

---

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شاهد.
farzadjahanbein@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۳

طرح مسئله

فرهنگ حاوی تعاریف مختلف و متنوعی است که برخی آن را تا سیصد تعریف نیز رسانده‌اند. (چنگیز پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۷) از منظر آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان فرهنگ را، شاکله اجتماعی دانست که تحت‌تأثیر عوامل مختلف در بستر زمان شکل می‌گیرد و فضای تحرک و کنش انسان‌ها را تعیین می‌کند و مانند هوا همه‌جا وجود دارد. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷ و ۱۳۷۸/۰۹/۲۳) در این تعریف، می‌توان یک هسته مرکزی را شناسایی نمود و آن شاکله‌ای است که در یک جامعه در بستر زمان تحت‌تأثیر عوامل مختلف شکل گرفته است. از درون این هسته مرکزی، نگرش کلی به زندگی و حیات انسانی به همراه ارزش‌های حاکم بر روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، معنا و تجلی یافته است. در بخش دیگر، مصادیقی وجود دارد که ازجمله آنها می‌توان به اخلاق، آداب و رفتارهای اجتماعی، رفتارهای فردی و خلقیات و خصال ملی و... اشاره کرد. مدیریت نیز فرایند بکارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد. (رضاییان، ۱۳۷۹: ۱۷۹)

بر این اساس می‌توان مدیریت فرهنگ را تلاشی آگاهانه برای تغییر شاکله اجتماعی درجهت رسیدن به وضعیت مطلوبی دانست که براساس نظام ارزشی از پیش تعیین شده است. مدیریت فرهنگ غیر از مدیریت فرهنگی است. مدیریت فرهنگی را می‌توان مدیریت امور و فعالیت‌های فرهنگی دانست.

در ارتباط با مدیریت فرهنگ، دو رویکرد کلان وجود دارد. رویکرد تکثرگرایی فرهنگی و رویکرد یکسان‌سازی فرهنگی. براساس رویکرد اول، فرهنگ دارای ساختار ویژه‌ای است که دگرگونی‌ها و تغییرات آن کاملاً تابع سازوکارهای درونی و تاریخی‌اش می‌باشد و به‌هیچ‌رو نمی‌توان از بیرون و مطابق طرح و برنامه‌ای خاص تغییرات پیش‌بینی شده‌ای در آن پدید آورد. به‌عنوان نمونه، «فردریش آگوست فون هایک» با تمییز دو نوع «عقلانیت معطوف به سازندگی» و «عقلانیت تکاملی» به رد عقلانیت نوع اول می‌پردازد. (بشیریه، ۱۳۷۹: ۸۵ ـ ۸۰) رویکرد دوم با پذیرش امکان مدیریت فرهنگ و تأکید بر ضرورت آن، به مدیریتی تمام‌عیار که با سلب آزادی و اختیار بشری نیز همراه است و با هدف همسان‌سازی اجتماعی صورت می‌گیرد، اعتقاد دارد. (آشوری،۱۳۷۶: ۲۴۱ ـ ۲۴۰)

پژوهش حاضر بر آن است تا «نگاه معقول سلامی» را در این خصوص براساس دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مورد بحث و بررسی قرار دهد. سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از:

مدیریت فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) چگونه است؟

برای پاسخ به سؤال اصلی، سؤالات فرعی زیر طرح می‌گردند:

مبانی حاکم بر مدیریت فرهنگ چیست؟

اصول حاکم بر مدیریت فرهنگ چیست؟

آیا مدیریت فرهنگ امکان‌پذیر است؟

چه ضرورتی برای مدیریت فرهنگ وجود دارد؟

کیفیت و میزان مداخله دولت در مدیریت فرهنگ چگونه است؟

مدیریت فرهنگ چگونه صورت می‌گیرد؟

چنانچه برخی نویسندگان مطرح کرده‌اند که «متون اسلامی در عین حال که حاوی مضامین مختلف تربیتی است اما آنها را به شکل ساختارمندی به ما عرضه نمی‌کنند». (باقری، ۱۳۸۹ الف: ۲۹) می‌توان چنین بیان کرد که در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، در خصوص مدیریت فرهنگ، مطالب بسیاری وجود دارد و هدف این نوشتار آن است که بتواند مدیریت فرهنگ در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای را به‌صورت منسجم و ساختار یافته ارائه کند. به این منظور از راهبرد پژوهش کیفی و روش استنتاجی فرارونده استفاده می‌شود. (همو، ۱۳۸۹ ب: ۱۰۹) در این روش به‌صورت منطقی، از مبانی، اصول استنتاج می‌گردد و سپس براساس مبانی و اصول، روش مدیریت فرهنگ ارائه می‌شود. در مقام گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده خواهد شد. منابع مورد استفاده نیز بیانات و کتب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و سایر منابع مرتبط می‌باشد.

در خصوص مدیریت فرهنگ به‌صورت عام، و تبیین مسئله در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌صورت خاص، پژوهش‌های متعددی انجام شده است اما براساس بررسی صورت گرفته، تا کنون اثر پژوهشی که به‌صورت جامع از مبانی تا روش، به تبیین اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بپردازد یافت نشد. به این ترتیب، این اثر نخستین گام و تجربه در نوع خود به‌شمار می‌آید.

مبانی نظری حاکم بر مدیریت فرهنگ

اندیشه هر متفکر مبتنی بر مبانی وی است. و براساس آن مبانی، اصول، شیوه‌ها و آراء خاص آن متفکر شکل می‌گیرد. مبانی فکری و نظری بیان‌کننده نحوه نگرش به جهان و مسائل آن است و ریشه‌ها و اساس اندیشه‌ها در حوزه‌های گوناگون معرفتی را می‌سازد. بر این اساس، تنوع در اندیشه‌های معرفتی خاص، بر تنوع و گوناگونی در جهان‌بینی‌ها بر می‌گردد و شناخت و جهان‌بینی‌ها برای این اندیشه‌ها حکم طبقه زیرین و زیربنا را دارند. این مبانی شامل چهار حوزه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌گردد. براساس آنچه گفته شد و با هدف فهم چگونگی مدیریت فرهنگ در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به مبانی نظری ایشان اشاره می‌گردد:

الف) مبانی هستی‌شناسی

چیستی و ماهیت هستی، ابعاد هستی و ... ازجمله مسائل مهمی هستند که در حیطه هستی‌شناسی مورد تأمل قرار می‌گیرند. بر این اساس، مهمترین مختصات هستی‌شناسی اسلامی را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. هستی اعم از دنیا و آخرت

هستی فقط منحصر به این دنیا نیست، بلکه بعد از این زندگی دنیایی، زندگی دیگری خواهد بود که دارای اهمیت و اصالت است؛ به‌عبارت‌دیگر، هستی اعم از طبیعت و ماورای طبیعت (غیب و شهادت) است.

آیت‌الله خامنه‌ای دراین‌باره اعتقاد دارند:

> حد فاصل ادیان الهی و خیل عظیم مؤمنین عالم با بقیه مردم و انسان‌ها، از زمان حضرت آدم تا امروز ــ که هریک اینها عالمی بودند ــ عبارت است از ایمان به غیب، یعنی ماورای دنیای احساسات ما و معادلات و محاسبات بشری مبتنی بر این حواس. حد فاصل و نقطه اصلی، اینجاست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۶/۲۹)

۲. خدامحوری

در نگاه اسلامی، اعتقاد بر آن است که برای عالم، خالق و صانعی عالم، قادر و حکیم وجود دارد و این صانع حکیم از برای خلقت خود غایتی متعالی دارد که بندگان می‌باید بدان سوی حرکت نمایند. آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه بیان می‌کنند:

> توحید، یعنی اعتقاد به اینکه این ترکیب پیچیده بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کهکشان‌ها و سحابی‌ها و حفره‌های عظیم آسمانی و کرات بی‌شمار و میلیون‌ها منظومه شمسی بگیرید، تا سلول کوچک جزء فلان پیکر، فلان جسم و ترکیب ریز شیمیایی ــ که آن‌قدر نظم در این ترکیب عظیمِ متنوّع و پیچیده وجود دارد که هزاران قانون از آن استنباط کرده‌اند؛ چون وقتی نظم غیرقابل تخلّف شد، از آن قوانین تکوینی و بی‌تخلّف استفاده می‌شود ــ ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

۳. هدفمندی و غایت‌مندی هستی

این مبنای هستی‌شناسی اسلامی، به جهت‌گیری هستی معطوف است؛ بر این اساس، جهان هستی در حال شدن، حرکت و تکامل است و مبتنی بر غایتی الهی است و هستی عبث آفریده نشده است.

آیت‌الله خامنه‌ای در این‌باره معتقدند:

یکی از نقاط اصلی و اساسی در جهان‌بینی اسلامی، مسئله تداوم حیاتِ بعد از مرگ است؛ یعنی زندگی با مردن تمام نمی‌شود. در اسلام و البته در همه ادیان الهی، این معنا هم جزو اصول جهان‌بینی است و تأثیر دارد ... . بعد از مرگ، ما وارد مرحله جدیدی می‌شویم. این‌طور نیست که انسان نابود شود؛ از جوی جَستن و رفتن به یک مرحله دیگر است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

ب) مبانی انسان‌شناسی

در تعالیم دینی ما، شناخت انسان از خود، پرفایده‌ترین شناخت‌ها (آمدی، ۱۴۰۷: ۱۷۲) و از سوی دیگر، عدم شناخت انسان، جهل به همه‌چیز دانسته شده است (همان: ۵۹۸) در این بخش به مهمترین ویژگی‌های انسان می‌پردازیم:

۱. مختار و آزاد

در نگاه انسان شناختی حکمای اسلامی، اعتقاد مستحکمی نسبت به مختار بودن انسان‌ها وجود دارد. به عبارتی انتظام امر مردم به‌گونه‌ای که منتهی به اصلاح دین و دنیای آنها شود باید به نحوی باشد که تمامی مردم در آن سهیم باشند. حضرت امام(ره)، آزادی را اولین حق بشری می‌دانند که همه عالم برای او قائل است. (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۲ / ۲۶۵)

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این‌باره می‌فرمایند:

اسلام ... آزادی را امر فطری انسان می‌داند. بله، یک حق است، اما حقی برتر از سایر حقوق؛ مثل حق حیات، حق زندگی کردن. همچنانی که حق زندگی کردن را نمی‌شود در ردیف حق مسکن و حق انتخاب و حق چه گذاشت. برتر از این حرف‌هاست، زمینهٔ همهٔ اینهاست. آزادی هم همین‌جور است. این نظر اسلام است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۶)

۲. فطرت‌مند

فطرت به‌معنای نوعی خلقت ویژه انسان است که صبغه الهی دارد. برای فطرت ویژگی‌هایی برشمرده‌اند. فطرت به خداوند منتسب است. (شاه‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۱۴) در آیهٔ فطرت، سرشت الهی انسان مختص به گروه یا افراد خاصی دانسته نشده و با استعمال واژه «ناس»، این صبغه الهی همگانی معرفی شده است. پس فطریات در همه افراد یافت می‌شود، هرچند کیفیتشان از نظر ضعف و شدت، متفاوت باشد. (مصباح، ۱۳۸۰: ۴۴) فطرت، جبلّی انسان است. جعل و آفرینش فطرت، جعل ذاتی نیست و خلقت ذاتی مستقلی از

خلقت انسان ندارد، بلکه جعل آن تبعی است؛ یعنی به محض خلقت انسان و به تبعیت از این خلقت، فطرت نیز پدید آمده است. فطرت الهی انسان، ازآنجاکه اکتسابی نیست و جبلّی انسان است، خطاناپذیر است؛ پس از اطلاع از عدم مجعولیت فطرت ـ مگر به‌صورت تبعی ـ و اینکه آن (فطرت) امری ذاتی است و لایختلف و لایتخلف، ازاین‌رو، مجالی برای تصرف وهم و خیال در آن نیست؛ زیرا کتاب ذات ما با دست خداوند متعال نوشته شده است. ... بنابراین، فطرت در مقتضیات و احکام خود، معصوم از خطاست. (شاه‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۱۶ ـ ۳۱۵) امور فطری همواره در طول تاریخ ثابتند؛ چنان نیست که فطرت انسان در برهه‌ای اقتضاء خاصی داشته باشد و در برهه‌ای دیگر، اقتضائی دیگر. پس این ودیعهٔ الهی را با فشار و تحمیل نمی‌توان زایل کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۶) البته فطرت انسان محجوب می‌شود، بدین معنا که در قبر نفسانیت او دفن می‌شود. اما دفن فطرت در قبر حیوانیت، هیچ‌گاه منجر به معدوم شدن آن نخواهد شد و فطرت انسان تا ابد در اعماق وجود او حضور خواهد داشت. (همو، ۱۳۸۴: ۱۱۲)

۳. سرشار از قابلیت

در میان تمامی موجودات عالم، تنها یک موجود است که این قابلیت را داراست که تمامی مراتب وجود را حائز گردد و آن انسان است. آیت‌الله خامنه‌ای، انسان را گل سرسبد مخلوقات الهی (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۲/۸/۵) و موجودی بی نهایت (همو، ۱۳۶۳/۹/۵) می‌دانند و معتقدند:

> چهارمین نقطه اصلی این جهان‌بینی، عبارت است از استعداد بی‌پایان انسان در دارا بودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان را ندارند... . (همو،۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

٤. دارای کرامت ذاتی

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اهمیت کرامت انسانی می‌فرمایند:

> هیچ مکتبی به‌قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی‌داند. یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح شده است، اصل «تکریم انسان» است. (همو، ۱۳۷۱/۹/۲۵)

٥. میل طبیعت انسان به فجور و مرزگشایی

انسان برحسب نوع آفرینش و به اقتضاء حیات این جهانی خود، الفت زیادی با طبیعت خویش دارد و باید از دامن این طبیعت سر برآورده و در عرصهٔ حیات الهی پای نهد.

آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص بیان می‌کنند:

ما باید عفت داشته باشیم، عفیف باشیم و به لجن بودن طبیعت بشری خودمان واقف باشیم. برادران! این طبیعت خیلی خطرناک است. بشر این‌طوری است، بشر لغزش دارد ... . (همو، ۱۳۶۸/۱۱/۹)

٦. تابع معرفت و میل بودن اراده انسان

آیت‌الله خامنه‌ای در این‌باره معتقدند:

ما با ذهن‌ها مواجهیم، با دل‌ها مواجهیم؛ باید دل‌ها قانع بشود. اگر دل‌ها قانع نشد، بدن‌ها به راه نمی‌افتد، جسم‌ها به‌کار نمی‌افتد؛ این فرقِ بین تفکّر اسلامی و تفکّرات غیر اسلامی است ... . (همو، ۱۳۹۵/۴/۱۲)

ج) مبانی معرفت‌شناختی

از مهمترین مبانی اندیشه، مبانی معرفت‌شناسی است. ازجمله مسائل مهم در این حوزه، منابع شناخت است. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، مهم‌ترین منابع شناخت را می‌توان کتاب و سنت (همو، ۱۳۹۳/۱/۳۱، ۱۳۹۰/۵/۲۴، ۱۳۹۰/۳/۳)، عقل (همو، ۱۳۷۱/۲/۲۳، ۱۳۸۳/۷/۵) و حس و تجربه نام برد. در این بخش با پرهیز از انحصارگرایی روش‌شناختی، بر تکثر منابع معرفت تأکید می‌شود.

د) مبانی جامعه‌شناختی

ازجمله مبانی مهم، رابطه فرد و جامعه و ماهیت جامعه است. استاد مطهری با طرح این پرسش که آیا جامعه وجود اصیل و عینی دارد و به‌عبارت‌دیگر، ترکیب جامعه انسانی چه نوع ترکیبی است و رابطه فرد با جامعه براساس چه نوع ترکیبی است؟ معتقدند که هم فرد و هم جامعه اصیل‌اند. افراد، صرف‌نظر از جامعه، دارای هویت مستقل بوده و همه ویژگی‌های خود را از جامعه نمی‌گیرند اما در اثر تأثیر و تأثرات متقابل، واقعیت جدیدی به نام جامعه پیدا می‌شود که دارای ویژگی‌های خاص خود است. (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۳۲) طبق این نظریه، جامعه مانند فرد، روح و حیات دارد و این روح جمعی همان فرهنگ حاکم بر جامعه است؛ البتّه این روح واحد روح کلّ است و نه روح کلی. (همو، ۱۳۶۳: ۱۱۲)

آیت‌الله خامنه‌ای نیز باتوجه به تأثیر فرهنگ به‌عنوان شاکله جامعه بر رفتارهای فردی بیان می‌کنند:

همه رفتارهای فردی و جمعی ما به‌عنوان مسؤل و رفتارهای ملت‌مان، تحت‌تأثیر دو

> مجموعه عوامل است: یک مجموعه، آن استعدادها و امکانات و اینهاست؛ هوش، توانایی‌ها و استعدادهای مردم ... بخش دوم، آن عامل مؤثر و جهت‌دهنده ذهنیت است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۹/۲۳)

اهمیت این بحث از آن‌روست که هستی فرهنگ، مبتنی بر هستی جامعه است و هستی‌شناسی فرهنگ، تابعی از هستی‌شناسی جامعه است (لبخندق، ۱۳۹۰: ۶۲) لذا اگر قائل به اصالت جامعه نباشیم، سخن گفتن از فرهنگ صحیح نخواهد بود.

اصول حاکم بر مدیریت فرهنگ

اصول جمع اصل و اصل عبارت از بایدهایی است که مبتنی بر مبانی نظری تولید می‌شوند. اصل در لغت چیزی است که شیء دیگر بر آن مبتنی است (فیومی، ۱۴۱۴: ۱ / ۱۶) اصولی که در این پژوهش به‌صورت تحلیل منطقی از مبانی استخراج می‌شود عبارتند از:

اول: حاکمیت دین و لزوم دست‌یابی به تعالی

براساس آنچه در مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی تبیین گردید، باید فرد و جامعه به سمت کمال حرکت کنند. رهبری غایت مطلوبی برای فرهنگ در نظر می‌گیرند که هدف نهایی در نظام فکری و سیاسی اسلام نیل به آن است. اگر فرهنگ را به‌مثابه ذهنیت در نظر بگیریم، باید به نحوی باشد که تعیین‌کننده‌ترین عامل در شاکله جامعه، دین باشد. آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرمایند:

> فرهنگ با جوهر دین، با جوهر انقلاب، اساس کارهای ما است که بایستی واقعاً به آن بپردازیم ... . (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۶/۳)

دوم: سختی اصلاح افراد بدون اصلاح فرهنگ

از طرفی چنانچه بیان شد، فرهنگ مثل روح در کالبد جامعه است و غیر از فرهنگ هرچه هست جسم و کالبد است. از طرف دیگر، براساس آنچه در مبانی جامعه‌شناختی ذکرشد، جز با اصلاح فرهنگ، به سختی می‌توان افراد را اصلاح کرد. آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه فرهنگ یک ملت، منشأ عمده تحولات آن ملت است، بیان می‌کنند:

> از این فرهنگ، همه کارکردها و جهت‌گیری‌ها و تحولات ملت سرچشمه می‌گیرد. بنابراین فرهنگ یک ملت، منشأ عمده تحولات آن ملت است. بله، بلاشک عوامل

گوناگونی روی فرهنگ ملت اثر می‌گذارد ــ یعنی این تأثیر، دو جانبه است ــ اما عاملی که یک ملت را بـه رکـود و خمـودی، یـا تحـرک و ایسـتادگی، یـا صـبر و حوصـله، یـا پرخاشگری و بی‌حوصلگی، یا اظهار ذلت در مقابل دیگران، یا احساس غـرور و عـزت در مقابل دیگران، به تحریک و فعالیت تولیدی یا به بیکارگی و خمودی تحریـک مـی‌کنـد، فرهنگ ملی است. فرهنگ، با همین تعریف ویژه، محصول تعریف جمعی از یک جامعـه است و خودش مؤثر در همه حرکات و تحولات و تشکیل‌دهنده هویت یک جامعه است. (همو، ۱۳۸۳/۱۰/۸)

سوم: ضرورت مدیریت فرهنگ

باتوجه به آنچه در مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی گفته شد، نظام اسلامی علاوه‌بر تنظیم امور معیشتی مردم، باید به‌صورت جدی و به‌عنوان یک وظیفه تخلف‌ناپـذیر نسـبت بـه آمـوزش و پرورش مردم در امور مربوط به منافع آخرت اقدام نماید. بر این اسـاس کـار خلیفـه الهـی بـیش از آنکـه سیاسی یا نظامی یا اقتصادی باشد، فرهنگی است و سیاست و اقتصاد و نظـامی‌گـری جملگـی صـورتی آلـی و وسیله‌ای می‌باشند که در خدمت تعلیم و تربیت و ارتقای معنوی انسان‌ها که هدف غایی است قـرار مـی‌گیرنـد. آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین رویکرد اسلامی در خصوص وظیفه فرهنگی حکومت اسلامی می‌فرمایند:

کار ما فقط این نیست که اقتصاد مردم، عزت سیاسی و عـزت علمـی را در جامعـه بـالا ببریم، علاوه‌بر این‌ها: معنویت، اخلاق اسلامی و تسهیل بستر حرکـت عظـیم بـه سـمت انالله و انا الیه راجعون نیز مدنظر ما می‌باشد. (همو، ۱۳۸۷/۱۱/۷)

چهارم: ممکن بودن مدیریت فرهنگ

براساس آنچه در مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی بیان شد، به دو دلیـل امکـان مـدیریت فرهنـگ وجود دارد:

۱. وجود کتاب و سنت به‌عنوان منبع خطاناپذیر

براساس آنچه در مبانی معرفت‌شناختی مطرح شد، علاوه‌بر منابع معرفتی چون تجربه و عقل، منبع وحـی و کتاب و سنت به‌عنوان منبع خطاناپذیر تصـویر جـامع و دقیقـی از انسـان و جامعـه، وضـعیت مطلـوب، راهنمای تحقق آن وضعیت مطلوب و ... را در اختیار قرار می‌دهـد. در نظـام اسـلامی، حکومـت مجـری دستورات الهی است و در چارچوب کلانی که دین در اختیار قرار می‌دهد با استفاده از سایر منابع شناخت، به‌صورت مستمر طراحی و مدیریت می‌کند.

لذا دیدگاهی که معتقد است موضع برین و عالی که براساس آن بتوان فرهنگ را مدیریت کرد وجود ندارد قابل پذیرش نیست.

۲. وجود فطرت به‌عنوان منبع مشترک

انسان‌ها علی‌رغم تمام تفاوت‌هایی که دارند و بر آن اساس، برخی مدیریت فرهنگ را ناممکن می‌دانند دارای یک نقطه اشتراک جدی هستند و آن فطرت است. فطرت به‌عنوان منبع بی‌بدیل، امکان مدیریت جامعه را به سمت تعالی و رشد فراهم می‌نماید.

آیت‌الله خامنه‌ای باتوجه به اهمیت فطرت در مدیریت فرهنگ جامعه به سمت تعالی، با اشاره به واقعه انقلاب اسلامی بیان می‌کنند:

> امروز حرکت انقلاب و هدف‌های انقلاب، همان چیزهایی است که در روز اول ترسیم شد و امام بزرگوار و حکیم ما آنها را ترسیم کرد. این هدف‌ها با فطرت مردم هماهنگ بود؛ لذا مردم آن را گرفتند؛ و الا دل میلیون‌ها مردم را به یک سمتی متوجه کردن، کار عادی‌ای نیست. وقتی کسی با فطرت سخن می‌گوید، از خدا حرف می‌زند، فطرت‌ها به او متوجه می‌شود. (همو، ۱۳۸۸/۱۱/۲۸)

پنجم: عاملیت انسان

بر اساس آنچه در مبانی انسان شناختی مطرح شد، در مدیریت فرهنگ باید، عاملیت انسان حفظ شود. بر این اساس باید از صناعت فرهنگی و تحمیل حقایق و تلاش جبرگرایانه برای ایجاد تغییر و تحولات فرهنگی در جوامع اجتناب کرد. آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به همین موضوع و با تأکید بر مفهوم «خودشان» در فرازی می‌فرمایند:

> جامعه‌ی اسلامی آن جامعه‌ای است که بر طبق تعالیم و توصیه‌های پیغمبران خدا مردم دارای اندیشه و فکر شده‌اند، قدرت تصمیم‌گیری پیدا کرده‌اند، خودشان انتخاب می‌کنند، خودشان دشمن را می‌شناسند، دشمن را دفع می‌کنند. (همو، ۱۳۶۱/۹/۱۲)

از این منظر، دولت باید ریل‌گذاری و سیاست‌گذاری و حمایت و نظارت انجام بدهد. بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای، موضوع کمک به انسان را مطرح کرده و در این باره می‌فرمایند:

> آنچه که در مقوله فرهنگ برعهده حکومت است، عبارت است از نظارت هوشمندانه، متفکرانه، آگاهانه، مراقبت از هرز روی نیروها و هرزه‌رویی علف هرزه‌ها، هدایت جامعه

به سمت درست، کمک به رشد و ترقی فرهنگی افراد جامعه؛ باید به این همه مجموعه انسان و به‌خصوص جوان که در جامعه هستند، کمک کرد تا بتوانند راه صحیح و رشد خود را پیش ببرند. (همو، ۱۳۸۲/۱۰/۲۳)

ششم: تنوع فرهنگی

باتوجه به آنچه در مبانی انسان‌شناختی در خصوص اصل انتخاب و آزادی مطرح شد، رقابت، آزادی، ابتکار فردی و تکثر اموری طبیعی هستند. به‌عنوان نمونه، رهبر معظم انقلاب با اشاره به تنوع فرهنگی می‌فرمایند:

تقلید فرهنگی خطر خیلی بزرگی است اما این حرف اشتباه نشود با اینکه بنده با مد و تنوع و تحول در روش‌های زندگی مخالفم نه خیر ... . (همو، ۱۳۸۳/۴/۱۷)

ایشان در عباراتی دیگر در خصوص به رسمیت شناخته شدن تنوع فرهنگی می‌فرمایند:

ما نمی‌خواهیم به مردم بگوییم شما حتماً این کتاب را بخوانید، آن کتاب را نخوانید؛ نه. انواع سلایق، انواع فکرها، انواع ذهن‌ها، انواع استعدادها، باید در مقابل خودشان میدان بازی داشته باشند، برای اینکه آنچه را می‌خواهند، بتوانند انتخاب کنند. (مصاحبه پس از بازدید از یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، ۱۳۷۷/۳/۵)

هفتم: ابتناء بر فطرت

هر نوع مدیریت فرهنگ که با نادیده گرفتن فطرت و ساختار وجودی انسان انجام پذیرد، محکوم به شکست است. انسان سرشتی الهی دارد و در مدیریت فرهنگ می‌باید مبتنی بر این ساختار وجودی، تلاش شود اقتضائات رشد فراهم گردد و موانع رشد بر طرف شود. ایشان درخصوص فطرت می‌فرمایند:

گاهی شنیده می‌شود کسانی در گوشه‌وکنار وقتی صحبت از هدایت و راهنمایی و بیان حقایق دینی و مانند این‌ها می‌شود، می‌گویند آقا، مگر ما موظفیم مردم را به بهشت برسانیم؟ خب بله؛ بله، همین است. فرق حاکم اسلامی با حکام دیگر در همین است: حاکم اسلامی می‌خواهد کاری کند که مردم به بهشت برسند؛ به سعادت حقیقی و اُخروی و عقبایی برسند؛ راه‌ها را باید هموار کند. اینجا بحثِ زور و فشار و تحمیل نیست؛ بحثِ کمک کردن است. فطرت انسان‌ها متمایل به سعادت است، ما باید راه را باز کنیم؛ ما باید کار را تسهیل کنیم برای مردم تا بتوانند خودشان را به بهشت برسانند؛ این وظیفه ما است، این کاری است که امیرالمؤمنین بار آن را بر دوش خود گرفته است و احساس وظیفه می‌کند که مردم را به بهشت برساند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۲۳)

باغبانی فرهنگ

براساس آنچه در مبانی و اصول ذکر شد، از طرفی نظام اسلامی نسبت به مدیریت فرهنگ درجهت رشد و تعالی جامعه وظیفه دارد و نمی‌تواند آن را رها کند و از طرف دیگر این مدیریت باید با حفظ آزادی‌های فرد همراه باشد. بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح کیفیت دخالت دولت در حوزه فرهنگ از تعبیر «باغبانی فرهنگ» بهره می‌برند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

> در مقوله فرهنگ، رفتار حکومت باید دلسوزانه و مثل رفتار باغبان باشد. باغبان به هنگام، نهال می‌کارد، به هنگام آبیاری می‌کند، به هنگام هرس می‌کند، به هنگام سمپاشی می‌کند، به هنگام هم میوه‌چینی. باید فضای فرهنگی کشور را باغبانی کرد. برای باغ با فنون مهندسی کشاورزی، نقشه مهندسی تهیه، یعنی مسئولانه و با دقت این مقوله را دنبال کرد. (همو، ۱۳۸۲/۱۰/۲۳)

در این نگاه، باغبان تسلطی بر دانه ندارد و فقط به دانه برای رشد کمک می‌کند، موانع را رفع می‌کند، بذر را توانمند می‌کند. هرس و سم‌پاشی می‌کند و جای مناسب را فراهم می‌کند. لذا در باغبانی فرهنگ می‌توان از دو بعد سلبی و ایجابی یاد کرد. بعد سلبی ناظر به رفع موانع رشد و تعالی و بعد ایجابی ناظر به کمک برای رشد و تعالی است.

بعد اول: تمهید فضای زندگی برای مسلمین

«فضای زندگی برای مسلمانان» تعبیری بسیار مهم است که ملاصدرا توجه ویژه‌ای بدان دارد. از نظر وی، حکومت موظف است که به تأمین امنیت در ابعاد فردی و اجتماعی با هدف نگهداری و محافظت از «فضای زندگی برای مسلمانان» (ملاصدرا، ۱۳۶۳، ۲۱۲ ـ ۱۰) اقدام نماید. در این رابطه آیت‌الله خامنه‌ای بحث مبارزه با مخدر فروش‌های فرهنگی یا دارو فروش‌های ناصرخسرو را مطرح و می‌فرمایند:

> مدیریت فرهنگی، در مقابل هرج‌ومرج فرهنگی است؛ به‌معنای استبداد و به‌معنای تحمیل نیست، به‌معنای بد رایج در میان ما نیست، یعنی نباید حمل بر این معانی بشود. جامعه و در مجموعه فرهنگی، اگر این‌جور شد که هر متاع فاسد و کاسدی و مفسدی عرضه شد ـ بدون هیچ مؤاخذه و مسئولیت ـ این هرج‌ومرج است، این را نمی‌شود قبول کرد؛ کما اینکه شما به‌عنوان ـ مثلاً ـ مسئول بهداشت، اجازه نمی‌دهید که غذای فاسدی هم به مردم داده بشود، منطقی هم هست، هیچ‌کس هم تردیدی ندارد. در امر فرهنگ و خوراک معنوی هم همین‌طور است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۰/۱۵)

البته باید توجه داشت، ایجاد محدودیت تنها برای توطئه، دروغ و تحریک جنسی هست و نه برای اندیشه. رهبر معظم انقلاب در عرصه اندیشه، قائل به اصل مواجهه‌اند و نه اصل حذف. ایشان در مقام اندیشه، مخالف جلوگیری از نشر اندیشه‌های غلط هستند و می‌فرمایند:

> البته جلوِ نظرات غلط را نباید گرفت. نظرات غلطِ فلسفی، اجتماعی و گوناگون اشکالی ندارد که به داخل جامعه بیاید و نقد شود؛ این خوب است. جلوگیری از نظرات غلطِ فلسفی موجب می‌شود که کسانی خیال کنند این نظرات درست است؛ این عکس مطلوب اثر خواهد گذاشت. نه؛ طرح نظرات فلسفی، اجتماعی، سیاسی ـ آنهایی که یک نظریه است ـ اشکالی ندارد. به نظر من در باب نظریه‌پردازی نباید محدودیتی وجود داشته باشد. بیشتر بایستی برای نقد و ارزیابی و جدا کردن سره از ناسره همّت شود؛ اما در زمینه کار عملیاتی، باید جلوِ کتاب‌های مضرّ را گرفت. ما کتاب عملیاتی داریم. کتاب عملیاتی این است که عملاً یک نفر را دچار مشکل می‌کند؛ مثل همان احساسات جنسی که اول گفتم. اینجا بحث نظریه نیست. (همو، ۱۳۷۷/۳/۵)

بعد دوم: رشد و تعالی فرهنگ

در بعد سلبی، علف‌های هرز از بین برده می‌شوند تا فضای مناسب برای رشد فرهنگی ایجاد شود. در بعد دوم، بایستی کمک کرد تا شاکله اجتماعی بر مبنای فطرت، تقویت شده و در مسیر تعالی و دستیابی به هدف غایی که حاکمیت دین است رشد یابد. این تعالی با ایجاد و تقویت «مؤلفه‌های کلیدی» در شاکله اجتماعی، از طریق «اقطاب اثرگذار» و به‌صورت برنامه‌ریزی یکپارچه توزیع شده صورت می‌گیرد. به ترتیب عناصر این مدیریت در بخش ایجابی، ارائه می‌گردد.

مؤلفه‌های کلیدی

لیست بلندی از امور سلبی و ایجابی وجود دارد. لازمه دستیابی به اثر بخشی در هر حوزه و از آن جمله حوزه فرهنگی، تخصیص منابع محدود به مؤلفه‌های کلیدی و همگرایی و تمرکز اجزای مختلف با کارویژه‌های متفاوت بر آن مؤلفه‌هاست. برای مدیریت فرهنگ بایستی بجای تخصیص منابع محدود در اختیار به موضوعات متعدد، و کاهش اثربخشی در هر موضوع و مجموعاً کل حوزه‌ها و ابعاد فرهنگ، تلاش کرد از طریق چند مؤلفه محوری و کلیدی که به‌عنوان سرشاخه‌اند شاکله اجتماعی را تقویت کرد و طبیعتاً خروجی‌ها متناسب با چنین شاکله‌ای خواهند بود.

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که: «**حب الدنیا رأس کل خطیئة**». (کلینی، بی‌تا: ۴ / ۲) در این روایت شریفه، ریشه و منشأ هر گناهی را دوستی دنیای مذموم دانسته‌اند. حال اگر ما بجای اینکه

تلاش کنیم تک‌تک گناهان را در خودمان از بین ببریم که خود البته امر پسندیده‌ای است، همت اصلی را بر این بگذاریم که در ذهن و قلب، حب دنیا را ریشه کن نماییم، در این‌صورت احتمال رسیدن ما به مقصد اصلی که همان سعادت ابدی باشد بیشتر و سریعتر خواهد بود.

از مبانی و اصول و نیز براساس دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان پنج مؤلفه کلیدی استخراج کرد که عبارت‌اند از:

یک. تقویت عقلانیت

انسان دارای چهارقوه عاقله، شهویه، غضبیه و وهمیه است. قوه عاقله، قوه‌ای روحانی است که به حسب ذات مجرد است و به حسب فطرت، مایل به خیرات و کمالات. قوّه واهمه (قوه خیالیه): نقطهٔ مقابل قوه عاقله است ـ که به آن قوه شیطانی نیز می‌گویند ـ و تا زمانی که تحت نظام عقلی در نیامده و مسخّر نفس مجرّد نگردیده است به حسب فطرت متمایل به دنیا است. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۱)

قوّه غضبیه برای حفظ بقای شخصی و نوعی و برای دفع ضررها و مفاسد و برای مبارزه با موانع تکامل چون خوف، ضعف، تنبلی و ... است. (همان، صص ۲۴۱ ـ ۲۴۵) قوّه شهویّه مبدأ امیال است و برای حفظ شخص انسان در عالم طبیعت و برای ابقای نوع و حفظ آن و تشکیل خانواده و تربیت نفوس ناقصه است. (همان، ص ۲۷۸ ـ ۲۸۰) هرکدام از این قوا دارای افراط و تفریطاند و قوه عقل وظیفه ایجاد اعتدال در قوا را عهده‌دار است. ازاین‌رو ازجمله مهم‌ترین مؤلفه‌ها که باید در شاکله اجتماعی تقویت شود عقلانیت است. آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرمایند:

> در درجه اول، تربیت عقلانی است. یعنی نیروی خرد انسانی را استخراج کردن، آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن، ... این اولین مسئله است؛ و مهمترین مسئله هم همین است... (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

> اولین کار پیامبر مکرم اثاره عقل است، برشوراندن قدرت تفکر است؛ قدرت تفکر را در یک جامعه تقویت کردن. این، حلال مشکلات است ... . (همو، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

اگر جامعه‌ای اهل تفکر و تأمل باشد و از آفات عقل نیز دور باشد، توان تشخیص خواهد داشت و این یعنی اینکه جامعه به گونه‌ای تربیت شده است که بی آنکه مدام نیازمند پایش و بازرسی باشد خود می‌تواند در مواجهه با پیشامدها و مسائل جدید اهل تشخیص باشد و انتخاب نمایند.

دو. ارتقای آرمانی

براساس نظریه سیدمحمدباقر صدر، آرمان‌ها و ایدئال‌ها در جامعه جاهلی از نوع رضایت به وضع موجود بود که پیامبر اسلامﷺ از طریق آوردن یک دین جدید به نام اسلام و به کمک «وحی» آن آرمان‌ها را تغییر داد. تغییر در محتوای باطنی اعراب سبب شد تا آنها متوجه «الله» یعنی «ایدئال مطلق» گردند و در این هنگام بود که با ابراز نارضایتی از وضعیت موجود، در کنار پیامبرﷺ، برای رسیدن به وضع مطلوب تلاش نمودند؛ تلاشی عمومی و همگانی که به قدرتمند شدن مسلمانان منجر شد. اگر انسان‌ها ارتقای آرمانی بیابند، خود به وظایفشان عمل خواهند کرد. (صدر، بی‌تا: ۲۱۹) آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ارتقای آرمانی و نقش آن در هدایت رفتار جامعه می‌فرمایند:

> انبیا این را می‌خواهند به‌وجود بیاورند. جامعه‌ای الهی، جامعه‌ای با دل انسانی، جامعه‌ای با احساسات و عواطف صحیح و سالم، جامعه‌ای که درآن کسی به کسی و آن جامعه به جوامع دیگر ظلم نکند... جامعه‌ای که مردم آن جامعه دچار غفلت نباشند، غرق در مادیت نباشند، غرق در خودخواهی و خودپرستی نباشند. کار برای خدا، کار برای رسیدن به آستان لقای ربوبیت. این انسان کامل است. این جامعه کامل است. خب، انبیا می‌آیند تا این‌جور جامعه‌ای را به‌وجود بیاورند، آن وقت اگر جامعه‌ای که انسان‌هایش و مردمش درست فکر می‌کنند، درست عمل می‌کنند، دارای رحم و مروتند، دارای احساس مسئولیت در پیش خدای بزرگند، دارای احساس معنویتند، غرق در ماده نیستند، همه چیز را برای خود نمی‌خواهند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱/۱۵)

ایشان در بیان دیگری باتوجه به کانونی بودن ارتقای آرمانی می‌فرمایند:

> این حدیث معروفی که هم از امیرالمؤمنین نقل شده، هم ظاهراً از امام سجاد نقل شده، من در ذهنم هست که از امام هادیؑ هم نقل شده، می‌فرماید: «أ و لا حرّ یدع هذه اللّماظه لأهلها» - این آزادی است - آیا آزاده‌ای نیست که این متاع پست را - لماظه را، آب بینی یا دهان حیوان پستی را - جلوی اهلش بیندازد؟ خب، تا اینجا چیزی فهمیده نمی‌شود. معلوم می‌شود که حُرّ کسی است که این را جلوی اهلش بیندازد، خودش دنبال این نرود. بعد می‌گوید: «فلیس لأنفسکم ثمن الّا الجنّه فلا تبیعوها بغیرها»؛ قیمت شما فقط بهشت است. معلوم می‌شود که برای آن لماظه می‌خواستند قیمت بپردازند؛ یعنی آن لماظه را می‌دادند که نفْسِ این را ببَرند، هستی این را ببَرند، هویت و شخصیت این را ببَرند؛ بحث معامله در کار بوده، از آن معامله نهی می‌کند. اگر بناست معامله کنید، چرا نفستان را در مقابل این لماظه می‌دهید؟ فقط در مقابل بهشت و عبودیت خدا

بدهید. بنابراین نقطه کانونی، این است. (همو، بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۰)

سه. حفظ و تقویت ارزشمندی و کرامت انسانی

جامعه بدون کرامت، پذیرای هر نوع خواری است و لذا باید شاکله جامعه را با کرامت، پرورش داد. امیرمومنان در این باره می‌فرمایند:

من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته. (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۹۹)

هرکه خود را بزرگوار و با کرامت دید شهوت‌هایش در دیده وی خوار و پست گردید.

چهار. چارچوب‌مندی

چنانچه در مبانی گفته شد، انسان علاوه‌بر داشتن قابلیت‌های بی‌مانند، میل به فجور و مرزگشایی نیز دارد. این میل هرچند موجب حرکت و درنوردیدن عرصه‌های جدید می‌گردد اما باید توأم با چارچوب‌پذیری باشد. مراد از تقوی نیز، مرزبانی در مقابل فجور به‌معنای مرزگشایی و چارچوب‌ناپذیری است. آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرمایند:

مسئله اسلام و تشکیل حکومت در اسلام، مسئله یک صیرورت است؛ یک تحول در اندرون انسانی است. در درون ما، هم عناصر فرشتگی وجود دارد، هم عناصر سبعیت؛ «لقد خلقنا الانسان في احسن تقویم. ثمّ رددناه اسفل سافلین». یعنی استعداد علوّ و ترقی و تعالی و استعداد تنزل و سقوط، تقریباً شاید بشود گفت بی نهایت در ما افراد انسان وجود دارد. فلسفه آفرینش انسان این است که آن استعدادهای برجسته مثبتِ مفید و ممتاز از لحاظ ارزش‌های الهی، با اختیار خود انسان و با مجاهدت انسانی، غلبه پیدا کند بر آن خصلت‌های حیوانیت و سبعیت؛ که اگر این غلبه پیدا شد، آن‌وقت همان استعدادهای حیوانی هم جهت‌گیری درستی پیدا خواهد کرد. روح تعرض و تطاول اگر چنانچه در خدمت تقوا قرار گرفت، از تعرض به حریم‌های مقدس - حریم‌های انسانی، حریم‌های اجتماعی، حریم‌های اخلاقی - جلوگیری خواهد کرد؛ در یک جهت درستی به کار خواهد افتاد. (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۹۱/۷/۳)

پنج. مجاهدت دائم

براساس آنچه در مبانی انسان‌شناختی بیان شد و تأکید گردید که انسان هم دارای قابلیت‌هاست و هم طبیعتش میل به فجور و مرزگشایی دارد، عمل و روحیه مجاهدت برای عبور از این کشاکش و بروز

قابلیت‌ها ازیک‌سو و حفظ مرزها از سوی دیگر، ضروری است. این روحیه علاوه‌بر مقیاس فردی در مقیاس جامعه نیز حیاتی است.

آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرمایند:

> وقتی این ملت به هدف‌های خود دست پیدا خواهد کرد و مشکلات گوناگون را از سر راه خود برخواهد داشت که ایمان و جهاد در میان مسئولان به‌عنوان یک ارزش شناخته شود. (همو، ۱۳۸۴/۱/۱)

به نظر می‌رسد تمرکز بر این مؤلفه‌های کلیدی می‌تواند نظام اسلامی را در انجام وظیفه برنامه ریزیش برای ایجاد شاکله مطلوب یاری رساند و زمینه تعالی فرهنگ را فراهم کند و همزمان تفاوت‌های موجود در عرصه فرهنگ نادیده گرفته نشود و آزادی و اختیار و مشارکت واقعی مردم نیز سلب نگردد. مؤلفه‌های کلیدی که در میان عموم مردم، ضمن امکان ایجاد «مقاومت فرهنگی» در برابر فرهنگ‌های مهاجم، سیر به سمت فرهنگ مطلوب را میسور می‌کند.

اقطاب اثرگذار

فرهنگ یا شاکله اجتماعی در بستر زمان و تحت‌تأثیر عوامل مختلفی شکل می‌گیرند. آیت‌الله خامنه‌ای با تشبیه ساخته شدن فرهنگ به الماس، بیان می‌کنند:

> فرهنگ از اساسی‌ترین مقولات یک جامعه به‌حساب می‌آید که همچون ذره‌های الماس در طول قرون شکل می گیرد و استحکام پیدا می‌کند و در عنصر یکایک افراد یک ملت متجلی می‌گردند؛ و رشد و تعالی آن باعث دستیابی به حیات طیبه و انحطاط آن عامل سقوط و تباهی همه‌چیز یک ملت می‌شود. (همو، ۱۳۷۳/۸/۱۱)

عوامل اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و ... هرکدام، رسوباتی را در طول زمان برجای می‌گذارند و این رسوبات با کنار هم قرار گرفتن و درهم تنیده شدن، شاکله‌ای را برای جامعه ایجاد می‌کنند. در میان این عوامل، برخی تأثیرگذاری بیشتری دارند. آیت‌الله خامنه‌ای در عبارتی با بیان اقطاب اثرگذار در فرهنگ می‌فرمایند:

> خب، برای اینکه این شاکله حفظ شود، یا اگر نقصی دارد، تکمیل شود، یا اگر رخنه‌ای در آن هست، فسادی در آن هست، برطرف شود و به اصلاح تبدیل شود، طبعاً در جامعه اقطاب اثرگذاری وجود دارند. روشنفکران جامعه، نخبگان جامعه، علمای دینی، فعالان سیاسی، و در رأس همه، حکومت و دولت ـ دولت به‌معنای عام، به‌معنای

حکومت ـ اینها آن اقطاب تأثیرگذار هستند؛ اینها می‌توانند فرهنگ را منحط کنند، یا تضعیف کنند، یا تقویت کنند، یا ترمیم کنند، یا به‌عکس مجروح کنند و در آن خلل وارد کنند. حقیقتاً اینجوری است؛ یعنی می‌توان فرهنگ یک ملت را، حتی در بخش‌هایی که مربوط به خصوصیات اقلیمی است ـ چون بخشی از فرهنگ یک ملت، از اقلیم، از آب و هوا، از موقعیت جغرافیایی، از جغرافیای سیاسی سرچشمه می‌گیرد ـ در بلندمدت تغییر داد ... . (همو، ۱۳۹۰/۳/۲۳)

اقطاب اثرگذار از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای که بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری شاکله اجتماعی دارند عبارتند از حاکمیت، خانواده، نهاد تعلیم و تربیت، نخبگان و رسانه.

۱. حاکمیت

حکومت هم در مقام سیاست‌گذاری و اجرا و هم در مقام الگودهی مستقیم و غیرمستقیم نقش بسیار برجسته‌ای دارد. آیت‌الله خامنه‌ای درباره اهمیت نقش حکومت در شکل‌گیری فرهنگ بیان می‌کنند:

... واقعاً «النّاس علي دين ملوكهم». ملوک در اینجا به‌معنی پادشاهان نیست که بگوییم ما پادشاه نداریم؛ نه، ملوک شماها هستید؛ النّاس علي دين ماها.... در کلمات معصومین مشاهده می‌کنیم که رفتار یک جامعه را انعکاس رفتار حاکمان آن جامعه دانسته و فرموده‌اند: «اَلنّاسُ بِاُمَرائِهِمْ اَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبائِهِمْ؛ مردم، به دولتمردان خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان. (همو، ۱۳۹۴/۶/۸)

ب) خانواده

آیت‌الله خامنه‌ای درباره اهمیت خانواده می‌فرمایند:

اگر خانواده‌ای نبود، بزرگ‌ترین مصلحین هم بیایند نمی‌توانند جامعه را اصلاح کنند. (خطبه عقد مورخه ۱۳۷۲/۶/۱۴)

۲. نهاد تعلیم و تربیت

آیت‌الله خامنه‌ای برخورداری از جامعه‌ای مستقل، مستعد، با اخلاق، پاکدامن، شجاع، مبتکر، مدبر، نقدپذیر، قانون‌پذیر، سخت‌کوش و آرمان‌طلب را آرزوی همه ملت‌ها دانسته و تحقق این آرزوی بزرگ را در گرو «کار و تلاش» معلمان می‌دانند و از این‌رو در اهمیت آموزش و پرورش می‌فرمایند:

همه دستگاه‌ها در دولت، وظیفه پشتیبانی آموزش‌وپرورش را دارند ... این‌جور نیست که

ما خیال کنیم آموزش‌وپرورش فقط برای ما هزینه دارد؛ نخیر، دستاوردهایی بزرگ‌تر از دستاوردهای آموزش‌وپرورش وجود ندارد. هرچه شما در سرتاسر کشور از جلوه‌های پیشرفت و دستاورد و ابتکار می‌بینید، ریشه آن اینجا است؛ اینجا را درست کنید تا همه‌جا درست بشود. (همو، ۱۳۹۳/۲/۱۷)

۳. نخبگان

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اینکه فرهنگ نیز مانند مسائل دیگر از نخبگان به جامعه سرریز می‌شود می‌فرمایند:

یک فرهنگ و یک گفتمان، اول در میان نخبگان و به تبع آن در سطح عموم جامعه به وجود می‌آید. (همو، ۱۳۸۹/۹/۱۰)

ایشان در بیان دیگری در این خصوص می‌فرمایند:

فرهنگ قانون‌گرایی همانند مسائل دیگر باید از نخبگان به بدنه جامعه سرریز شود زیرا اگر نخبگان جامعه قانون را رعایت نکنند نمی‌توان از مردم انتظار عمل به قانون داشت. (همو،۱۳۸۸/۴/۳)

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به حدیث شریفی از رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند:

لا تصلح عوامّ هذه الأمّة الاّ بخواصّها. قیل یا رسول الله و من خواصّها، قال العلماء. (همو، ۹۱/۹/۲۱)

نخبگان شامل علما، اساتید دانشگاه، فرزانگان و نخبگان علمی هر کشوری را ... می‌دانند البته به شرط آنکه در آنها اخلاص، شجاعت، نترسیدن از دشمنان باشد.

نخبگان خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخبگان تولیدکننده (استراتژیک) و نخبگان مصرف‌کننده. نخبگان تولیدکننده نقش جدی در ریل‌گذاری جامعه دارند. آیت‌الله خامنه‌ای باتوجه به اهمیت تولید نظریه می‌فرمایند:

نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به‌عهده علمای دین است. ... اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمی‌تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری

> که ساخته و پرداخته اذهان مادی است، می‌آید جایگزین می‌شود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد ... وقتی اینها رایج شد، مدیران براساس آنها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند. (همو، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹)

آن‌قدر این نقش مهم است که از یک منظر، مدیریت فرهنگ در چارچوب نظریه‌های غالب که در حوزه و دانشگاه و به تعبیری در مجامع علمی و صاحبان نظریه‌ها تعیین تکلیف می‌شود، انجام می‌پذیرد. بقیه نخبگان، در چارچوب گفتمان غالب، آن گفتمان را منتشر و توزیع می‌کنند.

۴. رسانه

مقام معظم رهبری باتوجه به اهمیت رسانه‌ها در این‌باره می‌فرمایند:

> امروز مهمترین ابزار جنگ بین قدرت‌ها در دنیا رسانه است و امروز حتی قدرت‌های بزرگ هم با رسانه‌ها دارند کار می‌کنند. امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و ... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است. (همو، ۱۳۸۳/۲/۲۸)

برنامه‌ریزی یکپارچه توزیع شده

در این بخش چنانچه در بحث مدیریت فرهنگ اشاره شد، بر این نکته تأکید می‌شود که فعل‌ها و ترک فعل‌ها در اقطاب اثرگذار اثر فرهنگی دارند. در مدیریت فرهنگ باید به نحوی تدبیر شود که همه قول‌ها و ترک قول‌ها و فعل‌ها و ترک فعل‌ها متمرکز بر مؤلفه‌های کلیدی شود و با هدف تقویت این مؤلفه‌ها در شاکله اجتماعی گردد. در این نگاه، قاعدتاً اقدامات متنوع و متکثر است اما در عین تکثر و توزیع شدگی براساس خرده فرهنگ‌ها و مقتضیات، اهداف مشخص می‌باشد. به‌عبارتی مدیریت از حیث قالب‌ها توزیع شده و از حیث محتوا، یکپارچه است.

نتیجه

چنانچه اشاره شد در ارتباط با نسبت مدیریت و فرهنگ دو رویکرد کلان وجود دارد. رویکرد لیبرال با انگیزه حفظ و دفاع از آزادی انسانی و به‌دلیل لغزش‌پذیر و ناقص بودن عقل انسانی بالکل امر برنامه‌ریزی را غیرممکن و نامطلوب می‌داند و در مقابل رویکرد فراگیر و تمامیت‌خواه با تأکید بر ضرورت برنامه‌ریزی

دقیق در همه عرصه‌ها و از آن جمله فرهنگ به نحوی عمل می‌نماید که همگان با سلب آزادی و اختیار به شکلی همسان و همساز با «عقل ساختمان‌گر» در آیند. ما در این مقاله بر آن بودیم تا «نگاه معقول اسلامی» را در این مسئله مبتنی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بیان نماییم.

آیت‌الله خامنه‌ای، فرهنگ را شاکله اجتماعی می‌دانند و معتقدند عمده رفتارها در همه عرصه‌ها برآمده از این شاکله است. براساس آنچه در مبانی و اصول بیان شد، مدیریت فرهنگ هم ضرورت دارد و هم امکان. لذا رهاشدگی فرهنگ قابل پذیرش نیست. از سوی دیگر، آزادی و انتخاب انسان باید مورد توجه قرار گیرد لذا یکسان‌سازی فرهنگی نمی‌تواند پذیرفته شود. آنچه از مبانی و اصول به‌صورت منطقی استخراج می‌شود، باغبانی فرهنگ است.

آیت‌الله خامنه‌ای با طرح باغبانی فرهنگ در عین تأکید بر ضرورت مدیریت فرهنگ، با تأکید بر عنصر فطرت و وجود کتاب و سنت، مدیریت فرهنگ را ممکن می‌دانند و باتوجه به اصل آزادی، ضمن پرهیز از یکسان‌سازی فرهنگی، معتقدند که انسان فطرتاً میل به کمال دارد و لذا حکومت وظیفه دارد هم محیط مناسبی برای رشد بذر وجود انسان ایجاد نماید و هم برای بالفعل کردن این استعدادها به انسان کمک نماید. بدین منظور دو بعد ضروری می‌نماید:

تمهید «فضای زندگی برای مسلمانان» و «تعالی فرهنگ». اولی از طریق مبارزه با مواد مخدر فروش‌های فرهنگی و دومی از طریق «مؤلفه‌های کلیدی» و با تأکید بر «اقطاب اثرگذار» و به‌صورت برنامه‌ریزی یکپارچه توزیع شده.

این مدل در عین حفظ تکثر فرهنگی، با تقویت مؤلفه‌های کلیدی از طریق اقطاب اثرگذار، شاکله اجتماعی را هم در برابر تهاجم فرهنگی مقاوم می‌کند و هم حرکت آن را به سمت فرهنگ مطلوب که فرهنگ دین‌محور هست فراهم می‌کند. به عبارتی با کمک به اصلاح شاکله اجتماعی، طبق این اصل که «**کل یعمل علي شاکلته**»، از کوزه اجتماع همان برون خواهد تراوید که در اوست. لذا جزئیات بدون آنکه در آن دخالتی بشود عمدتاً در چارچوب دین خواهند بود.

لازم به ذکر است که فرهنگ‌سازی مستقیم یکی از راه‌های ایجاد شاکله اجتماعی است و سایر نظام‌های سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، قضایی و ... تأثیر بسیار جدی در شکل‌گیری شاکله دارند و لذا بدون عملکرد مناسب این نظام‌ها نمی‌توان فرهنگ موجود را به سمت فرهنگ مطلوب تغییر داد.

در پایان به نظر می‌رسد پس از بحث در خصوص مدیریت فرهنگ، نیاز به یک بحث نهادی وجود دارد و شیوه اجرا و متولیان مدیریت فرهنگ، موضوعی است که می‌تواند در مقاله مجزایی مورد بحث و تأمل قرار گیرد.

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*.

۲. *نهج‌البلاغه*.

۳. آشوری، ۱۳۷٦، *دانشنامه سیاسی*، تهران، انتشارات مروارید.

٤. آمدی، عبدالواحد، ۱٤۰۷ ق، *غررالحکم و دررالکلم*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

۵. آیت‌الله خامنه‌ای، در اجتماع مردم مشهد مقدس و زائران حضرت ثامن‌الحجج علی بن موسی الرضا(ع)، ۱۳۷۱/۱/۱۵

٦. ـــــــــــ، در آستانه روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۸/۱۱

۷. ـــــــــــ، در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۸۹/۷/۲۹

۸. ـــــــــــ، در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۹/۲۱

۹. ـــــــــــ، در دیدار مسئولان نظام در تاریخ ۱۳۸٤/٦/۸

۱۰. ـــــــــــ در سالروز عید مبعث ۱۳۸۸/٤/۲۹

۱۱. ـــــــــــ، بیانات خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳٦۱/۹/۱۲

۱۲. ـــــــــــ، بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۱/۷/۳

۱۳. ـــــــــــ، بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۰

۱٤. ـــــــــــ، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲

۱۵. ـــــــــــ، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۰/۳/۲۳

۱٦. ـــــــــــ، بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور ۱۳۹۳/۲/۱۷

۱۷. ـــــــــــ، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۹/۱۰

۱۸. ـــــــــــ، بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جوانان، اساتید، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌های استان همدان ۱۳۸۳/٤/۱۷

۱۹. ـــــــــــ، تفسیر سوره تغابن ۱۳٦۲/۸/۵

۲۰. ـــــــــــ، در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب اسلامی فرهنگی ۷۸/۹/۲۳

۲۱. ـــــــــــ، در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب اسلامی فرهنگی ۱۳۷۸/۹/۲۳

۲۲. ـــــــــــ، در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب اسلامی فرهنگی ۱۳۸۲/۱۰/۲۳
۲۳. ـــــــــــ، در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۷/۱۰/۱۵
۲٤. ـــــــــــ، در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۸۲/۱۰/۲۳
۲۵. ـــــــــــ، در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۸۳/۱۰/۸
۲٦. ـــــــــــ، در دیدار با جمعی از مسئولان فرهنگی ۱۳۸۷/۱۱/۷
۲۷. ـــــــــــ، در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۵/٤/۱۲
۲۸. ـــــــــــ، در دیدار جمعی از مردم آذربایجان ۱۳۸۸/۱۱/۲۸
۲۹. ـــــــــــ، در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/٦/۳
۳۰. ـــــــــــ، در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران و رؤسای دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه ۱۳٦۹/٦/۲۹
۳۱. ـــــــــــ، در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۹/۱۲
۳۲. ـــــــــــ، در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و «روز زن» ۱۳۷۱/۹/۲۵
۳۳. ـــــــــــ، در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳٦۸/۱۱/۹
۳٤. ـــــــــــ، در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲
۳۵. ـــــــــــ، در دیدار هزاران نفر از مردم استان ایلام ۱۳۹۳/۲/۲۳
۳٦. ـــــــــــ، در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها ۱۳۸۳/۱۰/۱۷
۳۷. ـــــــــــ، در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرّس ۱۳۷۷/٦/۱۲
۳۸. ـــــــــــ، مصاحبه پس از بازدید از یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ۱۳۷۷/۳/۵
۳۹. امام خمینی، ۱۳۷۱، *کوثر*، مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام همراه با شرح وقایع انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
٤۰. ـــــــــــ، ۱۳۷۷، ***شرح حدیث جنودِ عقل و جهل***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
٤۱. باقری نوع‌پرست، خسرو، ۱۳۸۹ الف، ***درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران***، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲.
٤۲. ـــــــــــ، ۱۳۸۹ ب، ***رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت***، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۴۳. بشیریه، حسین، ۱۳۷۹، ***نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم***، تهران، نشر طلوع.

۴۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴، ***تفسیر انسان به انسان***، قم، اسراء.

۴۵. ـــــــــــ، ۱۳۸۷، ***فطرت در قرآن***، قم، اسراء.

۴۶. چنگیز پهلوان، ۱۳۷۸، ***فرهنگ‌شناسی***، تهران، نشر پیام امروز.

۴۷. دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی با رهبر انقلاب ۱۳۸۸/۴/۳

۴۸. رضاییان، علی، ۱۳۷۹، ***مبانی و سازمان مدیریت***، تهران، انتشارات سمت.

۴۹. شاه‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۸۷، ***رشحات البحار***، ترجمه زاهد ویسی، چ ۲، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۵۰. صدر، سیدمحمدباقر، بی‌تا، ***سنت‌های تاریخ در قرآن (تفسیر موضوعی)***، ترجمه دکتر سیدجمال موسوی اصفهانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین.

۵۱. فیومی، ۱۴۱۴ ق، ***المصباح المنیر***، قم، دارالهجره، چ ۲، ج ۱.

۵۲. ***کتاب و کتابخوانی در آیینه رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای***، ۱۳۷۷، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چ ۱.

۵۳. کلینی، بی‌تا، ***اصول کافی***، ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۵۴. لبخندق، محسن، ۱۳۹۰، «دلالت‌های نظریه فطرت در نظریه فرهنگی»، ***معرفت فرهنگی اجتماعی***، سال سوم، ش ۱، زمستان.

۵۵. مصباح، محمدتقی ۱۳۸۰، ***آموزش عقاید***، تهران، بین‌الملل.

۵۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۳، ***نقدی بر مارکسیسم***، تهران، نشر صدرا.

۵۷. ـــــــــــ، ۱۳۷۱، ***جامعه و تاریخ***، تهران، نشر صدرا.

۵۸. ملاصدرا، ۱۳۶۳، ***مفاتیح الغیب***، تصحیح محمد خواجوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.